

«تخریب تنبیهی» منازل فلسطینیان توسط رژیم صهیونیستی از دیدگاه حقوق بین‌الملل

مهدی محمدنیا^۱

چکیده

تخریب منازل فلسطینیان به ویژه در سال‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین ابزارهای رژیم صهیونیستی برای ایجاد ترس و وحشت در بین فلسطینیان بوده است. از سال ۱۹۶۷ تا کنون هزاران واحد مسکونی توسط این رژیم در کرانه باختری، غزه و قدس شرقی ویران گشته و هزاران نفر از ساکنین آنها آواره شده‌اند. مهم‌ترین ادله این رژیم در توجیه تخریب این منازل نداشتن مجوز یا فعالیت ساکنان آنها در حرکت‌های ضد اشغال بوده است. سوال اصلی این پژوهش این است که تخریب منازل فلسطینیان از سوی اسرائیل چه جایگاهی در حقوق بین‌الملل دارد؟ فرضیه پژوهش این است که تخریب منازل فلسطینیان از دیدگاه حقوق بین‌الملل به عنوان یک "مجازات جمعی" است و در تعارض آشکار با اصول حقوق بین‌الملل به ویژه کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) و چهارمین کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه (مربوط به جنگ زمینی) قرار دارد.

واژگان کلیدی: تخریب تنبیهی، مجازات جمعی، حقوق بین‌الملل، اسرائیل، فلسطین.

۱- دکترای مطالعات استراتژیک، استادیار دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره). رایانامه:

mahdi.mnia@yahoo.com

مقدمه

ایجاد و گسترش جو وحشت بین فلسطینیان همواره یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های رژیم صهیونیستی در تداوم اشغال سرزمین فلسطین بوده است. ایجاد جو وحشت گاه از طریق استراتژی جنگ همچون جنگ ۲۲ روزه غزه (۲۰۰۸-۲۰۰۹) و ۵۱ روزه غزه (۲۰۱۴) و گاه از طریق استراتژی تخریب منازل مسکونی فلسطینیان همراه بوده است. تخریب منازل فلسطینی به ویژه در سال‌های اخیر یا وسعت بیشتری تداوم یافته است.

سیاست تخریب تنبیهی اسرائیل همواره یکی از سیاست‌های پایدار اسرائیل از زمان اشغال فلسطین بوده است. به لحاظ تاریخی سیاست تخریب منازل به زمان قیومیت بریتانیا بر فلسطین بر می‌گردد که بر اساس مقررات وضعیت اضطراری ۱۹۴۵ اعمال می‌گردید.

پس از اشغال کرانه غربی و غزه در سال ۱۹۶۷، سیاست تخریب منازل در مقابل مخالفت‌های عمومی به کار گرفته می‌شد و رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۶۷ از آن در جهت بازداشتن مخالفین استفاده می‌کرد این سیاست از آغاز انتفاضه اول در سال ۱۹۸۷ به طور گسترده علیه مبارزان فلسطینی و خانواده‌هایی به کار رفته است که متهم بودند در مبارزات مسلحانه علیه اسرائیل دخالت داشته‌اند (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۲۹) و امروزه نیز همچنان علیه خانواده‌های که اعضای آنها یا بستگان آنها مظنون به دخالت داشتن در عملیات ضد اشغال بوده‌اند، بکار می‌رود.

هرچند این سیاست در مواقعی به طور موقت متوقف شده اما هیچ وقت لغو نشده است. به عنوان مثال بعد از یک توقف موقت، از سال ۲۰۰۵، زمانی که کمیته نظامی اسرائیل به این نتیجه رسیده بود که سیاست تخریب تنبیهی نه تنها در بازداشتن فلسطینیان موثر نبوده است بلکه منجر به افزایش حملات آنها نیز شده است، بکار گرفته شد. همچنین مجدداً از سال ۲۰۱۴، بعد یک توقف ۴ ساله، زمانی که ۳ ساکن اسرائیلی در الخلیل ربوده و کشته شدند، مجدداً علی‌رغم هشدارهایی مبنی بر جمعی بودن مجازات اسرائیل، از سر گرفته شد. به دنبال این حادثه ارتش

-
- 1 House Demolition
 - 2 Punitive Demolition

اسرائیل ۴ خانه فلسطینی را در کرانه باختری تخریب کرد (Melhem, 2015).

آمارهای متنوعی از سوی مراجع مختلف در رابطه با تخریب منازل فلسطینیان توسط رژیم صهیونیستی، ارائه شده است. بر اساس گزارش کمیته اسرایلی علیه تخریب منازل، از سال ۱۹۶۷ نیروهای اسرایلی حدود ۴۸ هزار خانه فلسطینی را تخریب کردند (Aljazeera, 9 AUGUST 2016). بر اساس گزارش سازمان ملل از ابتدای سال ۲۰۱۶ نظامیان رژیم اسرائیل با سرعت بیشتری منازل فلسطینیان را تخریب می‌کنند. از ابتدای امسال (تا ماه آگوست) حدود ۷۲۶ خانه در مناطق اشغالی کرانه باختری و قدس شرقی تخریب شده‌اند و حدود ۱۰۲۰ فلسطینی آواره شده‌اند. این درحالی است که نظامیان این رژیم در سال ۲۰۱۵ در مجموع ۵۳۳ خانه فلسطینیان را تخریب کرده بودند و ۶۸۸ نفر از ساکنین آن را آواره کردند. این اماکن شامل خانه‌ها، طولیله‌ها و تأسیساتی مانند پنل‌های خورشیدی برای تأمین نیروی برق بوده است که از سوی خیرین خارجی همچون اتحادیه اروپا و اعضای آن برای تأمین نیازهای اولیه مردم مناطق اشغالی بنا شده بودند (the National World, August 12, 2016). برخی آمارهای نشان می‌دهد که صرفاً در سال ۲۰۱۴ در منطقه کرانه باختری، تنها در مدت ۸ ماه ۳۴۶ خانه تخریب شد و ۶۶۸ فلسطینی آواره شدند. در سال ۲۰۱۳، این رژیم با تخریب ۵۶۵ خانه، منجر به آوارگی ۸۰۵ فلسطینی شد. فقط در عرض ۲۴ ساعت، اسرایل ۷ منزل مسکونی را در کرانه باختری ویران کرد (Hatuqa, 4 APRIL, 2016).

به گزارش کمیته اسرایلی مقابله با تخریب منازل^۱، یکی از بزرگترین عملیات تخریب در دهه اخیر در کرانه باختری در ۲ فوریه ۲۰۱۶ اتفاق افتاد که در پی آن ۱۱۰ نفر که هفتاد نفر از آنها کودکان بودند در الخلیل آواره شدند. از زمان ۱۹۴۸ اسرایل حدود ۱۰۰ هزار خانه فلسطینی و بیش از ۵۳۰ روستای فلسطینی را تخریب کرده است که تا به امروز نیز ادامه دارد. مورخین از این روند

^۱ Israeli Committee Against House Demolitions (ICAHD):

این کمیته یک سازمان حقوق بشری مخالف اسرایل است که در سال ۱۹۹۷ به منظور پایان اشغال اسرایل بر فلسطین تشکیل شد. تمرکز اصلی آن بر تخریب منازل فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی بوده است.

به عنوان پاک سازی نژادی نام می‌برند. اسرائیل رسماً این روند را یهودی‌سازی می‌نامد. این تخریب‌ها غیر از فاجعه‌ای است که جنگ ۵۱ روزه اسرائیل علیه مردم غزه به بار آورد که به دنبال آن حدود ۱۸ هزار خانه فلسطینی تخریب شد و ۹۵۰۰ نفر آواره شدند (ICAHD, February, 2016).

نکته مهم این است که اسرائیل به دنبال تخریب خانه‌هایی بوده است که اعضا یا بستگان آنها متهم به شرکت در عملیات ضد صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی بوده‌اند. به عنوان مثال تنها در یک شب نیروهای اسرائیلی خانه‌های احمد ذکرنه، محمد کمیل و احمد ابو الروب را که گفته می‌شد یک پلیس مرزی اسرائیل را نزدیکی قدس کشته بودند ویران و خانواده‌های آنها را آواره کردند. احمد کمیل، پدر محمد، گفت که "گناه پدر، مادر و بچه‌ها چه چیزی است در حالیکه هیچ کس نمی‌داند که او چه کار می‌کند؟" به عنوان یک رفتار تنبیهی، در اکتبر ۲۰۱۵، اسرائیل خانه ابو جابر^۲ را در قدس شرقی ویران کرد. گفته می‌شد یک عضو این خانواده به نام قاسم ابو جابر در حمله‌ای در سال ۲۰۱۴، ۴ عابد کنیسه را به قتل رسانده بود (Hatuqa, 4 APRIL, 2016). و یا نیروهای اسرائیلی منازل خانواده‌های مواز حامد و عبدا... حامد در رام... تخریب کردند. این دو نفر از سوی اسرائیل متهم به عضویت در یک گروه نظامی بودند که یک سرباز اسرائیلی را در نزدیکی‌های نابلس کشته و ۳ نفر دیگر را زخمی کردند. در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۵، پلیس اسرائیل بعد از اخطار تخریب به خانواده موحناد حلبی، به خانه وی حمله برد و به عنوان شکنجه آنها را مجبور به ترک آن خانه کرد و حلبی را به شهادت رسانید پلیس معتقد بود که حلبی در چاقوکشی و تیراندازی در قدس در ۳ اکتبر مشارکت داشت. ارتش اسرائیل همچنین در ۳ اکتبر همان سال، به خانه نورالدین ابو حاشیه، زندانی کمپ آوارگان عسکر، در شرق نابلس یورش برد. وی از سوی رژیم صهیونیستی متهم به چاقوکشی در تل آویو بود. ارتش اسرائیل به خانواده وی نیز اخطار تخریب فرستاد.

1 judaization
2 Abu Jaber

عبدالرحمان الشلودی^۱ که از سوی اسرائیل متهم به زیرگرفتن نظامی اسرائیلی در قدس در ۲۰۱۴ بود، از سوی پلیس رژیم صهیونیستی به شهادت رسید و منزل خانواده وی نیز در البوستان^۲ در ۱۹ نوامبر ۲۰۱۴ بمب‌گذاری و تخریب شد. مادر وی در مصاحبه با المانیتور گفت: "آنها در نصف شب خانه ما را ویران کردند و ما را همراه با سایر ساکنین ساختمان به زور از خانه بیرون کردند. ما تقریباً ۷۰ نفر بودیم. ما تا ۴ صبح در خیابان زیر باران ماندیم." وی اضافه کرد که "نیروهای اشغالگر حتی ممانعت کردند از اینکه ما به خانه ویران شده‌مان برگردیم و آن را بازسازی کنیم. ما یک خانواده ۷ نفره هستیم که بی خانه ماندیم" (Melhem, 2015).

حتی پروژه‌های مسکونی اتحادیه اروپا نیز از سیاست تخریب اسرائیل در امان نبودند. بر اساس گزارش دفتر سازمان ملل برای همکاری‌های انسان دوستانه^۳ در ۳ ماهه اول سال ۲۰۱۶ نیروهای اسرائیلی ۱۲۰ پروژه ساخت اتحادیه اروپا را در کرانه باختری تخریب کردند. بر اساس گزارش سازمان دیده بان حقوق بشر یور-مدیترانه^۴، تخریب پروژه‌های اتحادیه اروپا توسط اسرائیل منجر به اتلاف ۷۲ میلیون دلار از کمک‌های اتحادیه اروپا برای توسعه و امور انسان دوستانه شده است (Aljazeera, 9 AUGUST 2016).

انگیزه اصلی برای چنین رفتارهایی کاملاً سیاسی است و آن ایجاد جو وحشت و بازدارندگی در برابر اقدامات ضد اشغال فلسطینیان است (Schaeffer, Halper and Epshtain, 2012). ارتش رژیم صهیونیستی به دلایل متعددی منازل فلسطینیان را تخریب کرده است. یکی از دلایل این رژیم در تخریب منازل و تأسیسات فلسطینیان این بوده است که آنها بدون مجوز بنا شده‌اند، این درحالی است که دادگاه‌های این رژیم با هرگونه درخواست صدور مجوز مخالفت می‌نمایند (the National World, August 12, 2016). بخشی دیگر از تخریب منازل، دلیلی جز

1 Abdel-Rahman al-Shaludi

2 al-Bustan

3 United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA).

4 Euro-Mediterranean Human Rights Monitor

مجازات جمعی نداشتند. این پژوهش معتقد است که تخریب منازل فلسطینیان از دیدگاه حقوق بین‌الملل به عنوان یک "مجازات جمعی" است و در تعارض آشکار با اصول حقوق بین‌الملل به ویژه کنوانسیون چهارم ژنو و کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه قرار دارد.

پایه‌های حقوقی تخریب از دیدگاه اسرائیل

تخریب خانه‌های فلسطینی از سوی اسرائیل به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. تخریب به علت ضرورت‌های اداری^۱، ۲. تخریب به علت ضرورت‌های نظامی^۲، ۳. تخریب تنبیهی^۳ (Samuel, 9: 2014). اسرائیل همواره سعی کرده است تخریب منازل فلسطینی را به بهانه‌های ضرورت‌های اداری یا احیای "امنیت و نظم عمومی"^۴ در چارچوب مواد ۴۳ و ۵۵ مقررات لاهه و یا تحت عنوان تخریب تنبیهی بر پایه "مقررات (اضطراری) دفاعی" توجیه کند. طبقه‌بندی تخریب منازل فلسطینیان تحت این سه طبقه موضوعی بسیار بحث برانگیزی بوده است.

الف. تخریب تنبیهی: (بر اساس مقررات اضطراری دفاعی بریتانیا)^۵

اسرائیل پایه حقوقی تخریب منازل فلسطینی را مبتنی بر ماده ۱۱۹ مقررات (اضطراری) بریتانیا مصوب ۱۹۴۵ می‌داند. مطابق ماده ۱۱۹(۱) از قوانین دفاعی ۱۹۴۵، هر خانه، بنا یا زمینی، واقع در هر شهر، روستا یا منطقه‌ای که مشکوک به این باشد که گلوله یا نارنجک و یا هر ماده انفجاری یا مواد آتش‌زا از آن شلیک شده یا منفجر شده است، فرمانده نظامی می‌تواند دستور مستقیم جهت تخریب آن خانه یا بنا یا زمین را صادر نماید (Defence (Emergency) Regulations, 1945). این قانون توسط بریتانیا در زمان قیمومت این کشور بر فلسطین وضع شد. با توجه به ماده ۴۳ از قوانین ۱۹۰۷ لاهه و ماده ۶۴ کنوانسیون ژنو در ارتباط با حمایت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ،

1 Administrative Demolition

2 Military-need Demolition

3 Punitive Demolition

4 Public Order and Safety

5 Defence (Emergency) Regulations, 1945

مقامات اسرائیلی ادعا می‌کنند که مقررات (اضطراری) دفاعی "بخش جدایی ناپذیر" از حقوق کیفری در سرزمین‌های اشغالی باقی می‌مانند. ارتش بریتانیا در فلسطین در سال‌های ۳۹-۱۹۳۶ در جریان شورش‌های عربی از تخریب تنبیهی استفاده کرد و ۵۰۰۰ خانه فلسطینی را تخریب کرد (Samuel, 2014: 11). اما ارتش بریتانیا تنها خانه‌های عرب‌های فلسطینی را تخریب می‌کرد، با وجود حملات عمده از سوی سازمان‌های زیر زمینی یهودی همچون بمب‌گذاری مفر فرماندهی بریتانیا در هتل کینگ دیوید در قدس و اعدام گروه بانان بریتانیایی، هرگز خانه‌های یهودیان تخریب نشد. رفتارهای اولیه اسرائیل در تخریب منازل فلسطینی کاملاً مشابه رفتارهای بریتانیا بود. موشه دایان، وزیر دفاع اسرائیل در طول سال‌های اولیه اشغال اسرائیل و معمار سیاست تخریب، این سیاست را که ابتدا در طول خدمت نظامی‌اش در ارتش بریتانیا یاد گرفته بود در کرانه باختری بکار برد. با ورود نیروی نظامی اسرائیل به کرانه باختری و غزه در ۱۹۶۷، ارتش اسرائیل، اقتدار کامل اجرایی و قانونی خود را بر این مناطق اعمال کرد. نه فرماندهی نظامی و نه کنست، مقررات ۱۱۹ را لغو نکردند و به نیروی نظامی اسرائیل اجازه دادند تا رفتار تخریب تنبیهی خود را در اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی (کل فلسطین) ادامه دهد (Samuel, 2014: 12).

این قانون در ۱۹۹۴ توسعه پیدا کرد که بر اساس آن ارتش می‌توانست حتی خانه‌های افراد کشته شده را هم تخریب نماید. در ۱۹۹۶ دادگاه به اسرائیل اجازه داد تا این تاکتیک را حتی به خانه‌های فلسطینیان ساکن در اسرائیل نیز توسعه دهد. دادگاه عالی همواره در مواجهه با خواست سیاست مداران انعطاف پذیر بوده است: در طول دومین انتفاضه در اوایل دهه ۲۰۰۰، این دادگاه به ارتش اجازه داد تا حق اطلاع فلسطینیان قبل از تخریب خانه‌هایشان را نادیده بگیرد (Silver, 9, October 2015).

اتکای مستمر اسرائیل به این قوانین و به ویژه ماده ۱۱۹(۱) از جنبه‌های مختلف مورد انتقاد قرار گرفته است. در رابطه با خود قوانین دفاعی، این نکته باید خاطر نشان شود که این قوانین توسط بریتانیا بلافاصله قبل از پایان قیمومتش بر فلسطین در سال ۱۹۴۸ لغو شد. لذا، مقامات

اسرائیل نمی‌تواند آن را مبنایی برای توجیه رفتارهای خود قرار دهند. پیرو ماده ۴۳، وقتی که اسرائیل موجودیت خود را در ۱۹۴۸ اعلام کرد، این قوانین، قوانین در حال اجرا در این سرزمین نبودند. موضع اسرائیل این است که تصور دولت بریتانیا برای انتشار دستور لغو این قوانین در مجله رسمی فلسطین مانع از لغو این قوانین شده است. در همین راستا، قانون اساسی اردن نیز در می ۱۹۴۸ این قوانین را ساقط کرد، اما اسرائیل تأکید دارد که ابطال باید صریح باشد. دولت‌های بریتانیا و اردن هر دو مکرر توضیح داده‌اند که از نظر آنها این قوانین توسط آنها در ۱۹۴۸ لغو شده‌اند. لذا قوانین دفاعی ۱۹۴۵ در سرزمین‌های اشغالی اعتباری ندارد. علاوه بر این اگر قانون مذکور قانون اجرایی در ۱۹۶۷ محسوب شود، نمی‌تواند به لحاظ حقوقی قابل اتکا باشد (Darcy, 2003: 11-13). ماده ۶۴ کنوانسیون چهارم ژنو توضیح می‌دهد که قانون محلی تنها زمانی قابل اجرا است که "مانعی در برابر کاربرد کنوانسیون حاضر" نباشد. تفسیر رسمی شرح می‌دهد که "وقتی که قانون کیفری سرزمین اشغال شده با موادی از این کنوانسیون در تعارض باشد، کنوانسیون باید ترجیح داده شود" (Pictet, 1958: 336).

اصطلاح "تخریب منازل" چهار جنبه مختلف را دربر می‌گیرد که هر یک به نتایج یکسانی ختم می‌شوند یعنی: اخراج فلسطینی‌ها از خانه‌هایشان. این شامل تخریب کامل، تخریب جزئی، پلمب کامل و پلمب جزئی می‌شود. در هر دو تخریب کامل و تخریب جزئی بولدزر و مواد منفجره مورد استفاده قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، پلمب منزل، به تخلیه ساکنین می‌انجامد و پلمب جزئی نیز برخی اتاق‌ها را غیر قابل سکونت می‌کند. هر یک از تخریب‌های تنبیهی توسط ارتش اسرائیل و آژانس امنیت این کشور موسوم به شاباک^۱ صورت می‌گیرد. در این رابطه دادگاه‌های اسرائیلی برای سرزمین‌های اشغالی^۲ دو نوع مجوز صادر می‌کند: مجوز پلمب و مجوز تخریب. اگر مجوزی برای پلمب صادر شود، نیروی نظامی اسرائیل می‌تواند بلافاصله آن خانه را پلمب کنند بدون اینکه اعلام قبلی به ساکنین آن خانه داده باشند. اگر حکم تخریب صادر شود، ساکنین آن خانه از

¹Shabak

²IDF's Legal Counsel for the Occupied Territories

فرماندهی نظامی اخطار تخریب دریافت می‌کنند و ساکنین آن ظرف مدت ۴۸ ساعت، می‌بایست آن خانه را تخلیه می‌کنند. آنها می‌توانند ظرف ۴۸ ساعت درخواست تجدید نظر را به فرمانده نظامی ارائه کنند. اگر فرمانده نظامی درخواست تجدید نظر را رد کند به ساکنین ۴۸ ساعت وقت داده می‌شود تا درخواست استیناف دیگری را به دادگاه عالی اسرائیل ارائه دهند. اما از زمان آغاز اشغال فلسطین، این دادگاه هیچ وقت روند تخریب منازل را متوقف نکرده است. در بیشتر موارد تخریب خانه‌ها، افرادی که خانه‌هایشان تخریب می‌شود هیچ تلاشی برای جنایت نکرده یا مرتکب یک جنایتی نشده‌اند (Samuel, 2014: 14).

مرووری بر احکامی که توسط دادگاه عالی اسرائیل صادر شده است، نشان می‌دهد که دادگاه حتی حکم تخریب منازل را صادر کرده است که شخص مظنون آن خانه را اجاره کرده بود یا وقتی که مالک اصلی پدر مظنون بوده است و از رفتار پسرش اطلاعی نداشته و حتی آن را تأیید نمی‌کرده است یا وقتی که ده‌ها عضو خانواده مظنون از جمله بچه‌ها در آن خانه اقامت داشته‌اند و خانه دیگری جز آن نداشتند. دادگاه معتقد است که هدف از تخریب تنبیهی منازل مجازات فرد مظنون برای عمل مورد اتهامش نیست، بلکه برای بازداشتن سایر فلسطینی‌ها از ارتکاب جرایم مشابه است (Samuel, 2014: 14). نمونه‌های فراوانی وجود دارد که صرفاً واحد مسکونی فرد مظنون تخریب نشده است بلکه همه واحدهایی که در یک ساختمان قرار دارند، جهت ترساندن و بازداشتن دیگران، تخریب شدند و همه ساکنین آواره شدند.

این نکته مهم است که روند تخریب منازل صرفاً با تخریب آنها تمام نمی‌شود. زمانی که خانه تخریب می‌شود، نیروی نظامی اسرائیل زمینی که خانه بر آن بنا شده بود را مصادره می‌کنند و خانواده‌ای که در آن خانه زندگی می‌کردند از بازسازی آن خانه منع می‌شوند. به عنوان مثال اغلب خانواده‌های آوارگانی که به تازگی خانه آنها تخریب شده است، از سوی "آژانس ملل متحد برای یاری و اشتغال به کار پناهندگان فلسطینی" چادری دریافت کردند تا بر روی ویرانه‌های خانه‌شان برپا کنند، اما نیروی نظامی اسرائیل حتی چادر آنها را نیز تخریب کردند (Samuel, 2014: 16).

ب. تخریب اداری^۱

در این نوع تخریب رژیم صهیونیستی خانه‌هایی را ویران کرده است که از نظر این رژیم مجوز ساخت نداشتند. اسرائیل این نوع تخریب را بر اساس ماده ۴۳ و ۵۵ کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه توجیه می‌کند که قدرت اشغالگر را مسئول "امنیت و نظم عمومی" می‌داند که باید بر اساس قوانین و مقررات موجود در سرزمین‌های اشغالی و بر اساس منافع مردم سرزمین‌های اشغالی اعمال شود. قدرت اشغالگر نمی‌تواند قوانین و مقررات سرزمینی را که اشغال می‌کند تغییر دهد مگر آنکه اجرای آن ممکن نباشد. جدای از اختیارات اجرایی قدرت اشغالگر، بر اساس ماده ۵۳ کنوانسیون ژنو هر گونه تخریب دارایی‌هایی که به هیچ وجه ضرورتی جهت عملیات نظامی ندارد، ممنوع است. مطابق این ماده، تخریب اداری در سرزمین‌های اشغالی یک امتیاز ویژه برای قدرت اشغالگر محسوب نمی‌شود (Harvard University, 2004). در واقع، تخریب‌هایی که رژیم صهیونیستی به این منظور انجام می‌دهد، کاملاً در تضاد با مقررات بین‌المللی است. چراکه، این تخریب‌ها نه در جهت ضرورت نظامی بلکه به منظور بازداشتن فلسطینیان از انجام هر گونه عملیات ضد اشغال است، به گونه‌ای که از سال ۱۹۶۷ بیش از ۲۶ هزار منزل فلسطینی در شرق قدس، کرانه باختری و نوار غزه تخریب شده است و تنها ۵ درصد از این تخریب‌ها صرفاً به دلایل امنیتی بوده است (Samuel, 2014: 16). مضاف بر اینکه ادعایی که این رژیم برای نداشتن مجوز می‌کند، پوششی برای اهداف خود می‌باشد چرا که تاکنون هر گونه درخواست مجوز فلسطینیان برای ساخت منازل از سوی دادگاه‌های اسرائیلی رد شده است.

امروزه سیاست تخریب منازل عمدتاً جهت اعمال فشار به خانواده‌هایی که فرزندان‌شان عملیات استشهادی انجام داده‌اند، یا به مبارزان فلسطینی کمک می‌کنند، به کار می‌رود و ارتش رژیم صهیونیستی این اقدام را به عنوان عاملی بازدارنده برای انجام عملیات‌های استشهادی می‌داند (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

¹ Administrative demolition

ج. تخریب نظامی^۱

یکی دیگر از مبانی حقوقی که پایه استدلال دولت اسرائیل در تخریب منازل مسکونی فلسطینیان است ضرورت نظامی است. در راستای این سیاست برخی منازل و تأسیسات فلسطینی که مانع از اجرای سیاست‌های امنیتی و اقدامات ارتش هستند، باید تخریب شوند. به این دلیل بسیاری از منازل و تأسیسات فلسطینی به ویژه آنهایی که نزدیک شهرک‌های یهودی‌نشین یا پادگان‌ها و مراکز نظامی قرار داشتند یا تردد در شبکه جاده‌های مورد استفاده ارتش و نیروهای امنیتی را دچار اختلال می‌کردند، به وسیله ارتش اسرائیل تخریب شدند (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۲۹). "اسرائیل به برخی مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه از جمله مواد ۴۹ و ۵۳ چهارمین کنوانسیون ژنو که قدرت اشغالگر را مجاز می‌کند در صورت اقتضای ضرورت نظامی اقداماتی در سرزمین اشغال شده، انجام دهد، استناد می‌کند. بند ۲ ماده ۴۹ چهارمین کنوانسیون ژنو ممنوعیت انتقال اجباری اشخاص مورد حمایت ساکن اراضی اشغالی را در صورتی که ضرورت‌های عالیه نظامی قدرت اشغالگر توجیه کند، مقرر می‌دارد که:

"دولت اشغالگر می‌تواند در صورتی که امنیت اهالی یا ضرورت‌های عالیه نظامی ایجاب کند، به تخلیه تمام یا قسمتی از ناحیه اشغال شده مبادرت کند..."

اما همچنان که عبارت فوق نشان می‌دهد، در این بند از ماده ۴۹ سخن از تخلیه اهالی سرزمین اشغالی است و نه انتقال اجباری مردم؛ از سوی دیگر، تخلیه اراضی اشغالی یک اقدام موقتی است که برای حفظ منافع و امنیت آن مردم انجام می‌شود و با تضمینات پیش‌بینی شده در همان ماده همراه است. یکی از تضمینات مقرر این است که اشخاص تخلیه شده باید به محض پایان مخاصمه به کانون خود عودت داده شوند. دیوان خاطر نشان می‌کند که حتی این استثناء شامل بند آخر ماده ۴۹ نمی‌شود. بر اساس این بند از ماده ۴۹، انتقال بخشی از جمعیت غیرنظامی دولت اشغالگر به سرزمین اشغال شده ممنوع است و هیچ دلیلی این امر را توجیه نمی‌کند.

لزوم حفظ حرمت اموال خصوصی مردم از طرف قدرت اشغالگر با صراحت در ماده ۴۶

¹ Military demolition

عهدنامه چهارم ۱۹۰۷ م. لاهه مقرر شده است. بر اساس این ماده:

"دولت اشغالگر باید به مالکیت خصوصی در سرزمین‌های اشغالی احترام بگذارد. از این رو انهدام اموال خصوصی بدون ضرورت مبرم نظامی، یا در صورتی که صرفاً برای هدف‌های انتقام‌جویانه یا خسارت بار به دشمن باشد، ممنوع است."

در رابطه با تخریب منازل به منظور ساخت دیوار حایل، دیوان ضمن توجه به موضوع "ضرورت نظامی" معتقد است که گرچه در بعضی شرایط معین، ضرورت نظامی در سرزمین‌های اشغالی حتی پس از پایان عملیات نظامی مورد استناد قرار می‌گیرد اما بر اساس مستندات پرونده، تخریب‌های انجام‌شده در سرزمین‌های اشغالی بر خلاف نهی صریح ماده ۵۳ چهارمین کنوانسیون ژنو بوده و دیوان قانع نشده است که "تعقیب اهداف امنیتی توسط اسرائیل، ترسیم نقشه دیوار در مسیر انتخاب شده را ایجاب می‌کرد" (رای مشورتی دیوان، بند ۱۳۵)؛ همچنین، دیوان ساخت دیوار در مسیر مورد نظر را تنها راه محافظت از منافع اسرائیل در برابر تهدیدهایی که ممکن است علیه آن صورت گیرد، نمی‌داند (رای مشورتی دیوان، بند ۱۳۷). "بنابراین، از نظر دیوان تخریب منازل و اراضی اشغالی به منظور ساخت دیوار با هیچ‌گونه ضرورت نظامی و ملاحظات امنیتی قابل توجیه نیست و نقض تعهدات بین‌المللی اسرائیل محسوب می‌شود (حبیب زاده، ۱۳۸۴: ۸۷-۸۶).

"تخریب تنبیهی": شکلی از مجازات جمعی و نقض حقوق بین‌الملل

مهم‌ترین منابعی که تعهدات و الزامات حقوقی قدرت اشغالگر را تعریف می‌کند عبارتند از:

۱. مقررات مربوط به حقوق و فرهنگ جنگ زمینی (مقررات لاهه) که به چهارمین

کنوانسیون حقوق جنگ زمینی^۱ مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ لاهه الحاق شده است (Hague Convention, 1907). ماده ۵۳ آیین نامه لاهه می‌تواند به عنوان کتاب راهنمای حقوق اشغال برای مقامات سرزمین اشغالی تلقی شود و شامل سرنخ‌های کلیدی است که تعهدات و حقوق قدرت

1 Regulations Respecting the Laws and Customs of War on Land

2 Fourth Convention Respecting the Laws of War on Land

اشغالگر را برجسته می‌کند (Samuel, 2014: 3).

۲. چهارمین کنفرانس مربوط به حمایت از زندانیان غیرنظامی در زمان جنگ مورخ ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ ژنو(کنوانسیون چهارم ژنو)^۲

یکی از قواعد اساسی معاهده لاهه در مورد سرزمین‌های اشغالی، حمایت از حرمت اموال خصوصی و ممنوعیت غارت و انهدام آنها از سوی قدرت اشغالگر است. تعهد قدرت اشغالگر به حفظ حرمت اموال خصوصی به طور صریح در ماده ۴۶ مقررات لاهه توجه شده است: "قدرت اشغالگر باید به مالکیت خصوصی در سرزمین‌های اشغالی احترام بگذارد. از این رو انهدام اموال خصوصی بدون ضرورت مبرم نظامی، یا در صورتی که صرفاً در جهت هدف‌های انتقام‌جویانه یا خسارت بار به دشمن باشد ممنوع است (حبیب زاده، ۱۳۸۴: ۷۹).

نوع رفتارها و مجازات خانواده‌های قربانیان از سوی اسراییل، صریحاً با مقررات حقوق بین‌الملل در تعارض است. این یک قانون بنیادین در حقوق بین‌الملل است که افراد باید صرفاً به خاطر رفتاری که خود شخصاً انجام داده‌اند، مجازات شوند. استنباط از این اصل که مسئولیت فردی را نشان می‌دهد، این است که افراد یا گروهی از آنها نمی‌توانند به خاطر اعمالی که سایرین اعم بستگان یا هم محلی‌های آنها انجام می‌دهد، مجازات شوند. در راستای این اصل، بسیاری از نظام‌های حقوقی داخلی صریحاً اعمال مجازات جمعی را منع کرده‌اند. حقوق بین‌الملل صریحاً مجازات جمعی و غیر فردی اشخاص را منع کرده است. در هر دو مقررات حقوق بشر بین‌المللی^۳ و حقوق بشردوستانه بین‌المللی^۴ بر ماهیت فردی مجازات شدیداً تأکید شده است (Darcy , 2003:17).

حال باید دید که ماده ۱۱۹ مقررات (اضطراری) بریتانیا که اسراییل به آن استناد می‌کند چگونه با حقوق بین‌الملل و حقوق بشر دوستانه در تعارض است؟

1 Fourth Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War

2 Fourth Geneva Convention

3 International human rights

4 International Humanitarian Law

این قانون اجازه تصرف هر خانه، بنا یا زمین و تخریب بعدی آنها و هرچیزی که در داخل آنها قرار دارد، به عنوان یک اقدام تنبیهی در برابر ارتکاب رفتارهای غیر قانونی، را صادر می‌کند. این مجازات علیه هر فعالیت خصمانه که از داخل آن خانه‌ها و بناها و یا بوسیله ساکنین خانه‌های دیگر در هر حوزه، منطقه یا شهر، روستا، محله یا خیابان نشأت گیرد، تحمیل می‌شود. به لحاظ نظری، یک فرمانده نظامی ممکن است دستور تخریب یک خانه یا خانه‌هایی را صادر کند بر اساس این ظن که برخی از ساکنین آن مشارکت یا معاونت در انجام یک جرم داشته و یا همدست در انجام جرم بوده‌اند. این ماده هیچ ارتباطی بین مرتکبین و آنهایی که مجازات می‌شوند غیر از نزدیکی جغرافیایی بر قرار نمی‌کند. ماده ۵۳ از کنوانسیون چهارم ژنو تخریب دارایی را منع می‌کند به استثنای اینکه آن تخریب بالضروره به جهت عملیات نظامی اتفاق بیافتد. قانون مشابه دیگری نیز وجود دارد که به ماده ۲۳ قوانین ۱۹۰۷ لاهه بر می‌گردد که تصریح می‌کند "تخریب و توقیف دارایی‌های دشمن ممنوع است مگر اینکه آن تخریب یا توقیف الزاماً به خاطر ضرورت‌های جنگی صورت گرفته باشد." در واقع، تخریب منازل که به عنوان یک اقدام تنبیهی انجام می‌شود، هرگونه توجیه مبنی بر ضرورت‌های مطلق نظامی را بی اثر می‌کند" (Darcy, 2003:13).

مطابق ماده ۱۱۹(۱) مقررات (اضطراری) بریتانیا یک فرمانده نظامی در اعمال اقتدار ویژه خود صلاحیت کامل دارد؛ هیچ شرطی جهت طی کردن روند قضایی قبل از تحمیل مجازات مذکور اختیار نشده است. نگرانی بیشتر مربوط به این واقعیت است که صرفاً شک یک فرمانده نظامی در رابطه با ارتکاب یک جرم، برای اعمال مجازات‌های فرا قضایی کافی است. حقوق بشر دوستانه بین‌المللی ایجاب می‌کند که باید به یک مظنون فرصت دادرسی قبل از تحمیل هرگونه مجازات کیفری داده شود. چهارمین کنوانسیون ژنو تأکید کرده است که حقوق و تشریفات قانونی باید توسط قدرت اشغالگر رعایت شود. این حقوق شامل حق دادرسی متعارف به منظور اطلاع از اتهامات، حق وکالت برای ارائه مدارک و دعوت از شهود و حق استیناف می‌شود. وقتی که قدرت تخریب یک خانه صرفاً متکی به یک مقام اجرایی باشد و حق محدود برای تجدیدنظر وجود داشته باشد، این نقض آشکار قوانین حقوقی بین‌المللی است که می‌گوید اقدامات کیفری نمی‌تواند فراقضایی بر افراد

تحمیل شود. حتی حق تجدیدنظر قضایی حکم تخریب که پیش از این وجود داشت، بوسیله تصمیم دادگاه عالی اسراییل برداشته شد. علاوه بر نقض حق مالکیت و نمونه خشن مجازات فرا قضایی، تخریب خانه‌های فلسطینی، همچنین می‌تواند به عنوان شکلی از مجازات یا رفتارهای تحقیرآمیز، غیر انسانی و ظالمانه دیده شود. این قبیل رفتارها از سوی کنوانسیون "منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز"^۱ نهی شده است. این کنوانسیون توسط اسراییل در ۳ اکتبر ۱۹۹۱ به تصویب رسیده است. ماده ۱۶ این پیمان دولت‌های امضا کننده کنوانسیون را متعهد می‌سازد که آنها "باید متعهد شوند تا در تمامی قلمرو سرزمین شان مانع از رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز شوند" (Darcy, 2003:14-15).

در *قانون بین‌المللی حقوق بشر*^۲ منع مجازات جمعی به وضوح تأکید شده است. ماده ۵(۳) از کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مقرر می‌دارد که "مجازات نباید غیر از جانی هیچ شخص دیگری را دربر بگیرد" (American Convention on Human Rights, 1978) همچنین، منشور آفریقایی حقوق بشر در ماده ۷ تصدیق می‌کند که "مجازات شخصی است و فقط می‌تواند بر مجرم تحمیل شود" (African Charter on Human and Peoples' Rights, 1986) در حقوق بشر دوستانه بین‌المللی^۳ نیز منع مشابهی و البته جامع تر در رابطه با مجازات جمعی وجود دارد. ماده ۸۷ کنوانسیون سوم ژنو که از زندانیان جنگی حمایت می‌کند، هرگونه "مجازات جمعی را به خاطر رفتار شخصی" (Geneva Convention III Relative to the Treatment of Prisoners of War,) منع می‌کند. در پروتکل ضمیمه به کنوانسیون سوم ژنو مصوب ۱۹۷۷ چنین آمده است "هیچ شخص نباید مورد محاکمه قرار گیرد مگر بر پایه مسئولیت کیفری فردی". این پروتکل صریحاً اعمال مجازات جمعی "در هر زمان و در هر مکان ابداً" منع می‌کند. دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا صریحاً مجازات جمعی را به عنوان یک جنایت محسوب می‌کند. دو پیمان وجود دارد

1 Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment

2 International Human Rights Law

3 International humanitarian law

که حمایت از شهروندان را تضمین می‌کند، کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون چهارم ژنو، که اعمال مجازات جمعی را شدیداً منع می‌کنند. ماده ۵۰ از آیین نامه لاهه که به کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه ضمیمه شده است، مقرر می‌دارد که "هیچ مجازات یا جریمه عمومی یا چیزهای دیگر نمی‌تواند به علت عمل {برخی} افراد بر مردم تحمیل شود به این خاطر که آنها نمی‌توانند به طور مشترک یا تک تک مسئول تلقی شوند." ماده ۳۳(۱) از کنوانسیون چهارم ژنو با تأکید بر اصل مسئولیت فردی، مجازات جمعی را مطلقاً منع می‌کند: "هیچ شهروندی ممکن نیست به خاطر رفتاری که او انجام نداده است مجازات شود. مجازات جمعی یا و همچنین همه اشکال ارباب و تروریسم ممنوع است." ماده ۳۳(۱) کنوانسیون چهارم ژنو از ماده ۵۰ مقررات لاهه ناشی شده است. این ماده نهی صریح و شفافی نسبت قوانین قبلی در رابطه با مجازات جمعی اعمال کرده است. این ماده ماهیت شخصی مجازات را تصدیق می‌کند و بیان می‌کند که "مسئولیت شخصی است و ممکن نیست که مجازات را به افرادی که نقشی در ارتکاب آن عمل نداشتند، تحمیل شود" دامنه این نهی بسیار گسترده است و شامل مجازات از همه نوع آن می‌شود، خواه توسط دادگاه اعمال شود خواه توسط یک ارگان اجرایی (Darcy, 2003:17-19).

جمله دوم از ماده ۳۳(۱) مقرر می‌دارد که "مجازات جمعی و همین‌طور هر نوع رفتار رعب‌انگیز یا تروریستی ممنوع است" (Fotrth Geneva Convention, 1949) در این راستا، حنا عیسی^۱، استاد حقوق بین‌الملل در دانشگاه بیرزیت^۲ معتقد است که تخریب منازل فلسطینی توسط اسرائیل نقض ماده ۳۳ چهارمین کنوانسیون ژنو (۱۹۴۹) است. کنوانسیون چهارم ژنو از غیر نظامیان در زمان جنگ حمایت می‌کند بر اساس ماده ۳۳ این کنوانسیون "هیچ شخص مورد حمایتی به خاطر یک جرمی که او شخصاً آن جرم را مرتکب نشده است، مجازات نخواهد شد." بر اساس این کنوانسیون، "تنبیه جمعی" و "انتقام" علیه جمعیت و دارایی‌های آنها ممنوع است. این رفتار اسرائیلی‌ها همچنین با ماده ۵۳ همان کنوانسیون که تخریب اموال منقول و غیر منقول را

¹Hanna Issa

²Birzeit University

منع می‌کند، در تعارض است. علاوه بر این، ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ را نیز نقض کرده است که می‌گوید: "هیچ کس نباید بی دلیل از مالکیت بر املاکش محروم شود" (Melhem, 2015).

قدرت اشغالگر بر اساس حقوق بشردوستانه مدرن که مبنای آن کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ است وظایف و مسئولیت‌های متعددی را بر عهده دارد. در واقع، کنوانسیون چهارم ژنو برخلاف کنوانسیون‌های لاهه، با حمایت از جمعیت غیرنظامی، وظایف بی شماری نیز برای اداره سرزمین تحت اشغال به قدرت اشغالگر تحمیل می‌کند. بدین ترتیب، قدرت اشغالگر نه یک نیروی ناظر، بلکه یک اداره کننده کامل است (ضیایی، ۱۳۸۰: ۲۲۰-۲۱۵).

سازمان دیده بان حقوق بشر^۲ در نوامبر ۲۰۱۴ گفت که تخریب منازل فلسطینی از سوی اسرائیل که مالکین آنها متهم به انجام عملیات انتحاری شده‌اند به "مجازات جمعی و جنایت جنگی می‌ماند که به طور عمدی و غیر قانونی افرادی را مجازات می‌کند که هیچ جرمی را مرتکب نشده‌اند." سحر فرانسیس،^۳ مدیر انجمن حقوق بشر الدمیر،^۴ گفت که "تخریب منازل فلسطینی به مثابه مجازاتی جمعی است که بر اعضای خانواده فردی که متهم به انجام عملیات انتحاری است، تحمیل می‌شود. این نقضی بر کنوانسیون ژنو است" از نظر وی "اسرائیل از وضعیت امنیتی به عنوان بهانه‌ای برای پیشبرد سیاست تخریب منازل، سوء استفاده می‌کند." فادی ناحاس،^۵ محقق مسایل ارتش اسرائیل و امنیت ملی اسرائیل در تریبون فلسطینی مطالعات اسرائیل، اظهار داشت: "اسرائیل در تخریب منازل فلسطینیان از هیچ قانونی تبعیت نمی‌کند و همواره نسبت به کرانه باختری و قدس به عنوان حوزه‌های تحت اشغال نظامی رفتار می‌کند. قوه قضاییه اسرائیل دست دستگاه نظامی را باز گذاشته است." وی معتقد است که "دستگاه قضایی اسرائیل تحت هوا و هوس دستگاه

1 Universal Declaration of Human Rights of 1948

2 Human Rights Watch

3 Sahar Francis

4 al-Dameer Association for Human Rights

5 Fadi Nahas

نظامی است و با تأییدیه حکومت، هر تصمیم کیفری را که بخواهد می‌گیرد. ارتش اسرائیل سیاست تخریب منازل فلسطینی‌ها را به منظور بازداشتن آنها، احیا کرده است بدون اینکه هیچ نگرانی در رابطه با مسایل انسان دوستانه و حقوق بین‌الملل داشته باشد" (Melhem, 2015). این سیاست شکلی از مجازات جمعی است و از نظر حقوق بین‌الملل و حقوق بشر به عنوان جنایت جنگی و جنایت علیه انسانیت محسوب می‌شود (Darcy, 2003).

اسرائیل با بهره‌برداری از استدلال امنیت محور دادگاه عالی، تخریب منازل فلسطینیان را بر پایه مقررات (اضطراری) دفاعی بریتانیا در ۱۹۴۵، توجیه می‌کند.

اعتراضات و انتقادات زیادی بر علیه اسرائیل در رابطه با اجرای ماده ۱۱۹ مقررات (اضطراری) دفاعی در تخریب منازل فلسطینیان صورت گرفته است. برخی از آنها را می‌توان به شرح زیر ذکر کرد:

۱. کمیسیون نظامی «شانی» برای ارزیابی سیاست تخریب منازل ارتش اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی^۲ در گزارش ۲۰۰۵ این کمیسیون، اعلام کرد که تخریب تنبیهی یک اقدام نامشروعی از نظر حقوق بین‌الملل است.

۲. فسخ شدن مقررات (اضطراری) دفاعی ۱۹۴۵: تخریب کیفری فاقد پایه حقوقی است چراکه این مقررات از سوی پارلمان بریتانیا فسخ شد. سه روز قبل از پایان قیمومت بریتانیا بر فلسطین، دستور لغو^۳ این مقررات صادر شد و در روزنامه رسمی در لندن منتشر شد، اما در روزنامه رسمی فلسطین منتشر نشد. دادگاه عالی اسرائیل به خاطر اینکه این دستور در روزنامه رسمی فلسطین منتشر نشد لذا معتقد است که این دستور معتبر نیست و ماده ۱۱۹ مقررات (اضطراری) بریتانیا هنوز به قوت خود باقی است.

۳. تعهد اسرائیل به تبعیت از کنوانسیون چهارم ژنو اسرائیل را محدود می‌کند و تخریب

^۱ Defence (Emergency) Regulations of 1945

^۲ The Shani Military Commission for the Assessment of the IDF's House Demolitions Policy in the Occupied Territories

^۳ Revocation Order

تنبیهی تحت مواد ۳۳، ۵۳ و ۷۱ این کنوانسیون منع شده است. دادستان کل اسرائیل در ۱۹۷۱ اعلام کرد که اسرائیل تصمیم گرفته است تا از جنبه‌های دوستانه کنوانسیون ژنو تبعیت نماید. لذا این رژیم باید به این تعهد احترام بگذارد و نیروی نظامی اسرائیل باید در راستای مقررات بشر دوستانه کنوانسیون ژنو حرکت کند که نمونه بارز آن منع مجازات جمعی است که در ماده ۳۳ تصریح شده است یا منع تخریب اموال (بدون دلیل نظامی) تصریح در ماده ۵۳ و یا منع مجازات بدون محاکمه که در ماده ۷۱ قید شده است. لذا هیچ دلیل حقوقی نمی‌تواند مبنای تخریب تنبیهی باشد (Samuel, 2014: 17-18).

۴. تفسیر نادرست اسرائیل از ماده ۲ کنوانسیون چهارم ژنو: در واقع، کنوانسیون چهارم به طور کامل در سرزمین‌های اشغالی قابل اجرا است. ادعای اصلی اسرائیل علیه قابلیت اجرایی کنوانسیون چهارم ژنو در سرزمین‌های اشغال مبتنی بر تفسیر مجادله‌آمیز از پاراگراف دوم از ماده ۲ است. این پاراگراف می‌گوید: «کنوانسیون باید نسبت به همه نوع اشغال کلی و جزئی سرزمین طرف معظم قرارداد اعمال شود، حتی اگر اشغال مذکور با هیچ مقاومت مسلحانه مواجه نشود. اسرائیل این را چنین تفسیر می‌کند که عبارت «اشغال سرزمین طرف معظم قرارداد» قابلیت اجرایی کنوانسیون چهارم ژنو را نسبت به سرزمین‌های اشغالی که توسط جامعه بین‌المللی به عنوان سرزمین یک دولت حاکم طرف معظم قرارداد، مورد شناسایی قرار گرفته باشد، محدود می‌کند. اما اسرائیل معتقد است که این سرزمین‌های اشغالی مورد شناسایی جامعه بین‌المللی قرار نگرفته بود و در زمان اشغال نظامی تحت حاکمیت هیچ کشوری نبوده است و به عنوان سرزمین یک دولت متعاهد کنوانسیون‌های ژنو تلقی نمی‌شده است، لذا کنوانسیون ژنو نمی‌تواند در رابطه با این سرزمین‌ها مورد استناد باشد. این تفسیر از ماده ۲ کنوانسیون به وسیله متخصصین برجسته حقوقی در داخل و خارج از اسرائیل رد شده است. از آنجا که اسرائیل و اردن هر دو طرف‌های کنوانسیون چهارم ژنو هستند و از آنجا که این کنوانسیون شامل «همه موارد جنگ‌های اعلان شده و هر نوع بحران

1- «occupation of the territory of a High Contracting Party»

مسلحانه"^۱ - از جمله جنگ ۱۹۶۷ - بین طرف‌های کنوانسیون می‌شود، این کنوانسیون نسبت به کرانه باختری قابل اعمال است خواه این سرزمین توسط جامعه بین‌المللی به عنوان سرزمین اردن مورد شناسایی قرار گرفته باشد خواه خیر. بنابراین، کنوانسیون ژنو به طور کامل شامل کرانه باختری می‌شود و تخریب‌های تنبیهی تحت ماده ۳۳، ۵۳ و ۷۱ منع شده است. دادگاه عالی اسرائیل نیز بر این اعتقاد است که کنوانسیون چهارم ژنو در جایگاه حقوق بین‌الملل معاهده‌ای است، لذا، بدون مصوبه کنست قابل اعمال در دادگاه‌های داخلی نیست (Samuel, 2014: 19).

در پاسخ باید گفت، هرچند اسرائیل عضو کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷م. نیست اما با توجه به اینکه مقررات این کنوانسیون به قواعد عرفی تبدیل شده‌اند، لذا، همه دولت‌ها از جمله اسرائیل نسبت به تعهدات مندرج در آن ملتزم هستند. دیوان در رد ادعای اسرائیل مبنی بر اشغالی نبودن سرزمین فلسطین به ماده ۴۲ این کنوانسیون استناد می‌کند. این ماده مقرر می‌کند: "یک سرزمین هنگامی که تحت اشغال و حاکمیت ارتش دشمن قرار بگیرد سرزمین اشغالی محسوب می‌گردد..." سرزمین‌های واقع مابین خط سبز و مرز شرقی سابق فلسطین در سال ۱۹۶۷م. به اشغال اسرائیل درآمد؛ بنابراین، طبق حقوق بین‌الملل عرفی این سرزمین‌ها اشغالی محسوب می‌شود و حوادثی که از آن زمان در فلسطین به رخ داده‌اند این وضعیت را به هیچ وجه تغییر نداده‌اند (رای مشورتی دیوان بند ۷۸) (حیب زاده، ۱۳۹۰: ۷۷-۷۶). لذا کنوانسیون چهارم لاهه در سرزمین‌های اشغالی قابل اجرا است. مضاف بر اینکه دیوان دلایل دیگری در رد ادعای اسرائیل ارائه می‌دهد: "اولاً اسرائیل در مناسبت‌های مختلف کنوانسیون چهارم ژنو را در مورد سرزمین‌های فلسطینی اجرا کرده است. همچنین دیوان عالی اسرائیل در رأی ۳۰ مه ۲۰۰۴م. خود کنوانسیون چهارم ژنو را در فلسطین قابل اجرا اعلام کرد؛ ثانیاً دیوان به بند اول ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های ژنو استناد کرده اعلام می‌کند که بند اول این ماده به دو شرط قابل اجراست: وجود یک مخاصمه مسلحانه و وقوع درگیری نظامی بین دو یا چند دولت متعاقد. دیوان با ارائه استدلال‌های مختلف در رد ادعای اسرائیل این گونه نتیجه‌گیری می‌کند: 'دیوان معتقد است که کنوانسیون چهارم ژنو در تمامی

¹ "all cases of declared war or of any other armed conflict"

سرزمین‌های اشغالی به دنبال وقوع محاصره مسلحانه بین دو یا چند دول متعاقد قابل اجراست. اسرائیل و اردن در آغاز محاصره ۱۹۶۷م. عضو این کنوانسیون بودند؛ بنابراین کنوانسیون مزبور در سرزمین‌های اشغالی فلسطین که قبل از جنگ در سمت شرقی خط سبز قرار داشت و در جریان این جنگ به اشغال اسرائیل درآمده قابل اجراست بدون اینکه نیازی باشد در مورد وضعیت دقیق این سرزمین در گذشته تحقیق و بررسی به عمل آید" (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۰۱) (حبیب زاده، ۱۳۹۰: ۷۷-۷۶).

آثار روانی تخریب منازل

یک خانه معمولاً مخزنی از خاطرات شخصی، کالاهای غیر قابل جایگزین و دارای ارزش شخصی، خاطرات شاد کودکی، دوستی و روابط شخصی، کتاب‌ها، عکس‌ها، نامه‌ها اسباب بازی‌ها، لباس‌ها و سایر کالاهایی است که ارزش معنوی شخصی دارند. ویرانی هر خانه و محتویات آن علاوه بر آوارگی ساکنین آن، بدون شک آسیب روحی جدی را به آنها وارد می‌سازد. مقامات اسرائیلی عمداً این رنج را برای مجازات افرادی تحمیل می‌کنند که هیچ نقشی در انجام عملی نداشتند و تخریب منازل آنها جهت گسترش ترس و وحشت میان فلسطینیان و افزایش حس آسیب‌پذیری و درماندگی آنها صورت می‌گیرد آن هم صرفاً به خاطر رفتاری که نفر سوم انجام داده است. این رفتار تبدیل به سیاست رسمی دولت اسرائیل شده است. کمیته سازمان ملل بر علیه شکنجه رفتار مکرر اسرائیل در تخریب منازل فلسطینیان را به شدت محکوم کرده است. این کمیته اعلام کرده است که این تخریب منازل فلسطینیان نمونه‌ای از رفتار یا مجازات ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر کننده می‌باشد و نقض صریحی ماده ۱۶ این کنوانسیون است. این کمیته اسرائیل را برای توقف تخریب منازل فراخوانده است. سیاست تنبیهی تخریب منازل فلسطینی، همواره به صورت تبعیض‌آمیز اعمال شده است. یعنی نیروهای اشغالگر فقط خانه‌های فلسطینی را تخریب می‌نمایند. هیچ موردی از تخریب منازل شهروندان اسرائیلی به عنوان مجازات برای جنایاتی که مرتکب شده‌اند، مشاهده

نشده است. وقتی که یک ساکن اسرائیل ۲۹ فلسطینی را در مسجدی در الخلیل قتل عام کرد و زمانی که اسحاق رابین به وسیله یک شهروند اسرائیلی ترور شد، در هیچ یک از حالات فوق خانه‌های این شهروندان اسرائیلی تخریب نشد. تخریب خانه‌ها به عنوان یک شکل ظالمانه و وحشیانه مجازات، به طور تبعیض آمیز صرفاً علیه شهروندان فلسطینی بکار می‌رود. یکی از جرایم جدی که متوجه اسرائیل است، این است که این قبیل اقدامات کیفری که تحت قانون ۱۹۱۹ (۱) انجام می‌شود، انسان‌های بی گناه را صرفاً به خاطر اقداماتی که دیگران مرتکب شده‌اند، مجازات می‌کند. وقتی که خانه‌ای به خاطر اقدام یکی از ساکنین آن تخریب می‌شود، سایر ساکنین آن نیز نتایج آن اقدام را تحمل می‌کنند (Darcy , 2003:16).

از یک سو با توجه به اینکه ارزش منزل برای فلسطینی‌ها در سایه فقر و رشد ۳/۷ درصدی جمعیت بسیار بالاست، و از سوی دیگر مشکلات اقتصادی و دشواری‌های گرفتن مجوز احداث بنا، موجب شده است که جمعیت زیادی در یک منزل مسکونی زندگی کنند. لذا "تخریب منزل علاوه بر تأثیرات فیزیکی، آثار روانی زیادی بر فرد، خانواده و کل جامعه می‌گذارد. این احساس عمیق در ترک اجباری منازل در سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ ریشه دارد. مردم امروز فلسطین همواره روی زمینی کار کرده‌اند که اغلب مالک رسمی آن دیگران (انگلیسی‌های استعمارگر یا یهودیان اشغالگر) بوده‌اند. بنابراین آنها ارتباط خاصی با زمین دارند. پژواک "یوم النکبه" که حاصل جنگ ۱۹۴۸ بود، همچنان در فضای فکری فلسطینی‌ها شنیده می‌شود. این حس میان فلسطینی‌ها اهمیت مالکیت منزل را دو چندان می‌کند و به لحاظ نمادین نشان‌دهنده ماندگاری، ایستادگی و ادامه بقاست. این وقایع تاریخی به کشاکش‌های امروز برای ایجاد یک دولت مستقل فلسطینی معنا می‌بخشد. به این دلیل منزل برای مردم فلسطین مفهومی ویژه دارد و تخریب آن تنبیهی فوق‌العاده به شمار می‌رود. انعکاس این اهمیت در این مثال فلسطینی قابل درک است: "وقتی یک فلسطینی می‌خواهد بدترین نفرین را در حق دیگری کند، می‌گوید: "یخریب بیتک" (خانه‌ات خراب شود) اسرائیلی‌ها با درک اهمیت منزل در روانشناسی اجتماعی فلسطینی‌ها در مبارزه با آنها با قساوت تمام از این شیوه بهره‌برداری می‌کنند" (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۳۰-۱۲۹).

در نهایت فلسطینی‌ها چاره‌ای جز شکایت در دادگاه عالی اسرائیل ندارند. اما این دادگاه همواره در مقابل خواست ارتش عقب‌نشینی کرده است. زمانی که نتانیاهو تصمیم گرفت این نوع تاکتیک را به دادگاه معرفی کند، پیش بینی می‌شد، دادگاه اسرائیل از تاکتیک وی در رابطه با تخریب منازل فلسطینی به عنوان شکل مشروع بازدارندگی حمایت کند. در این رابطه دادگاه اسرائیل بر پایه همین مقررات اضطراری حکمی صادر کرد مبنی بر اینکه این قبیل تصمیمات باید به رأی و نظر فرماندهان نظامی واگذار شود. دادگاه عالی اسرائیل از زمان اولین حکمش در ۱۹۷۹ تا به امروز به طور مرتب تخریب منازل فلسطینیان توسط ارتش را تأیید کرده است (Silver, 9 October 2015).

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین اقدامات ناقض حقوق بین‌الملل در سرزمین‌های اشغالی "تخریب تنبیهی" است که از سوی ارتش رژیم صهیونیستی به منظور ترساندن و بازداشتن فلسطینیان از مشارکت یا معاونت در حرکت‌های ضد اشغال صورت می‌گیرد. در این اقدام رژیم صهیونیستی افرادی مجازات می‌شوند که هیچ نقشی اعم از مشارکت یا معاونت در یک حمله یا عملیات علیه این رژیم نداشتند و صرفاً به این خاطر مجازات شدند که از اعضای خانواده یا وابستگان این افرادی بودند که احتمالاً در یک حرکت ضد اشغال نقش داشتند. از نظر حقوق بین‌الملل، این سیاست رژیم صهیونیستی مبنی بر تخریب تنبیهی منازل خانواده‌ها یا وابستگان افرادی که مظنون به مشارکت یا معاونت در حمله علیه این رژیم هستند، یک "مجازات جمعی" است که نقض آشکار حقوق بین‌الملل به ویژه کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) و کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه مربوط به حقوق و فرهنگ جنگ زمینی است که از یک سو قدرت اشغالگر را موظف به حفظ دارایی‌ها و اموال غیر نظامیان در سرزمین‌های اشغالی می‌کند و از سوی دیگر مجازات اشخاص را به خاطر جرمی که شخصاً مرتکب نشده‌اند منع می‌کند و "تنبیه جمعی" و "انتقام" علیه جمعیت و دارایی‌های آنها را ممنوع می‌نماید. اسرائیل عمل خود را مبتنی بر ماده ۱۱۹ مقرررت (اضطراری) دفاعی می‌داند که در دوران قیمومت بریتانیا

برفلسطین در سال ۱۹۴۵ وضع شد. اما این مقررات به لحاظ حقوقی نمی‌تواند مورد استناد اسرائیل باشد چراکه دولت بریتانیا این مقررات را سه روز قبل از پایان قیمومیتش بر فلسطین، فسخ کرد و حتی دستور فسخ را در روزنامه رسمی در لندن منتشر کرد. مضاف بر اینکه این ماده با توجه به اینکه در تعارض صریح با مقررات بین‌المللی و کنوانسیون‌های مذکور قرار دارد، نمی‌تواند قابل اجرا باشد.

منابع

الف. منابع فارسی

- حبیب زاده، توکل (۱۳۸۴)، "ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از دیدگاه حقوق بین‌الملل"، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۲۸.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۸)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: گنج دانش.
- عابدی، آرش (۱۳۹۳)، "غزه؛ جنایات جنگی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، فصلنامه مطالعات فلسطین، شماره ۲۶.
- قاسمی، صفت ا... (۱۳۸۹)، "سیاست‌های امنیتی رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی"، فصلنامه آفاق امنیت، سال سوم، شماره ۶.

ب. منابع انگلیسی

- African Charter on Human and Peoples' Rights, (1986), O.A.U. Doc. CAB/LEG/67/3 Rev. 5
- American Convention on Human Rights, (1978), 1144 U.N.T.S. 123.
- COLLECTIVE PUNISHMENT IN VIOLATION OF INTERNATIONAL LAW", Al-Haq Organisation, <http://www.alhaq.org/publications/publications-index/item/israel-s-punitive-house-demolition-policy>
- Darcy, Shane (2003), " Israel's Punitive House Demolition Policy: Collective Punishment in Violation of International Law", Al-Haq Organisation, Israels_Punitive_House_Demolition_Policy.pdf
- Defence (Emergency) Regulations, 1945, [1945] Palestine Gazette (No. 1442), Supp. No. 2, 1055

- Fourth Geneva Convention, relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War (1949),
<https://www.icrc.org/ihl/385ec082b509e76c41256739003e636d/6756482d86146898c125641e004aa3c5>
- Geneva Convention III Relative to the Treatment of Prisoners of War, 12 August 1949, (Third Geneva Convention),
<https://www.eccc.gov.kh/en/document/court/geneva-convention-iii-relative-treatment-prisoners-war-12-august-1949-entered-force-2>
- "Israel demolishing more Palestinian buildings, says UN", the National World, August 12, 2016, <http://www.thenational.ae/world/middle-east/israel-demolishing-more-palestinian-buildings-says-un>
- "Israeli demolitions leave 27 Palestinians homeless", Aljazeera, 9 AUGUST 2016 <http://www.aljazeera.com/news/2016/08/israeli-demolitions-leave-27-palestinians-homeless-160809130327388.html>
- Hague Convention, Respecting the Laws and Customs of War on Land, Oct. 18, 1907,
<https://www.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/INTRO/195?OpenDocument>
- Hatuqa, Dalia , (4 APRIL 2016), "Israel tears down seven Palestinian homes in 24 hours",<http://www.aljazeera.com/news/2016/04/israel-tears-palestinian-homes-24-hours-west-bank-israel-160404143630841.html>
- Melhem , Ahmad , (Oct. 6, 2015), "Is Israel violating the Geneva Convention?", Almonitor, <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/10/israel-destroys-palestinian-houses-jerusalem.html>
- Pictet Jean (1949 , Commentary on Geneva Convention IV of 1949, (Geneva: International Committee of the Red Cross, 1958),
<https://www.icrc.org/en/publication/0203-commentary-geneva-conventions-12-august-1949-volume-i>
- Samuel, Michael T. (2014), "*Punitive House Demolitions in the West Bank: The Hague Regulations, Geneva Convention IV, and a Jus*

Cogens Bypass", *BERKELEY J. MIDDLE Eaet. & ISLAMIC Law*. Vol.6

Available at: <http://scholarship.law.berkeley.edu/jmeil/vol6/iss1/3>

- Schaeffer , Adv. Emily , Jeff Halper and Itay Epshtain, (2012), " ISRAEL'S POLICY OF DEMOLISHING PALESTINIAN HOMES MUST END ", ICAHD, <http://icahd.org/get-the-facts/analysis/> / Schaeffer

- Silver , Charlotte , (9 October 2015), " Israel's high court champions revenge against Palestinian families", *the Electronic Intifada* <https://electronicintifada.net/blogs/charlotte-silver/israels-high-court-champions-revenge-against-palestinian-families>

- "Summary of Israeli violations on demolitions and displacements", *ICAHD*, *February, 2016*, <http://icahduk.org/2016/03/05/summary-of-israeli-violations-on-demolitions-and-displacements/>

- "The legality of house demolitions under International Humanitarian Law", *Harvard University*, 2004, <http://reliefweb.int/report/israel/opt-legality-house-demolitions-under-international-humanitarian-law>